**موانع تحقق استقلال و آزادی**

**ایجاد انگیزه**

همه ما واژه «شعار» را بسیار شنیده‌ایم و خاطراتی از این واژه در ذهن داریم. شعار در اصل عبارت است از شعرها یا نثرهایی که در جنگ‌ها می‌خوانند. در میدان جنگ تن به تن هر دسته‌ای اشعار به خصوصی استفاده می‌کنند و آن را نماد گروه خود و متمایز کننده آنان از دشمن می‌دانند.

در جريان نهضت انقلاب اسلامي ایران نیز از ۱۹ دي ۱۳۵۶ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ شعارهاي زيادي مطرح شد كه مهمترین، تأثيرگذارترين و ماندگارترين آن شعار «استقلال، آزادي، جمهوري اسلامي» بود.

این شعار، ماهيت انقلاب انقلاب اسلامی ایران را بیان می‌کند و ساختار سياسي جمهوري اسلامي به مقدار زيادي متأثر از مفهوم آن می‌باشد.

مقصود امام خمینی (ره) از انتخاب این شعار چه بوده است؟ چرا انقلابیون در آن برهه حساس این شعار را سر می‌دادند؟ با این شعار به دنبال چه چیزی بودند؟ واژه‌های به کار رفته در این شعار اشاره به چه مطلبی دارند؟

**متن و محتوا**

این شعار از چند واژه تشکیل شده که هر کدام دارای بار معنایی خاصی هستند. برای درک مفهوم و ماهیت این شعار، بررسی تک تک واژه‌ها ضروری است:

1. **واژه** **استقلال**

اولين واژه شعار «استقلال» است. استقلال یعنی اینکه ملت و دولت ایران دیگر مجبور نیستند تحمیل قدرت‌های بیگانه را قبول کنند. استقلال یعنی اعتماد به خود و بهره مندي از امکانات و نیروهای خودی.

استقلال، شامل تمامی زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی می‌شود. اما بیشتر کاربرد این واژه در استقلال سیاسی است. از این رو، مفهوم واژه استقلال در علم سياست يكي از مقبول ترين مفهوم‌ها و يكي از مقدس‌ترين واژه‌ها است.

منظور از استقلال سياسي آن است كه يك كشور از جهت مديريت سياسي تابع يا متأثر از كشور ديگر نباشد. در اين مفهوم استقلال و حاكميت خارجي ادامه و مكمل حاكميت داخلي است كه به موجب آن دولت انحصاراً ابتكار تعيين سرنوشت كشور را بدون دخالت ساير دولت‌ها داراست.

دخالت‌های مكرر دولت‌های استعماري روس و انگليس در امور داخلي ايران در دوره قاجار و پهلوي اول و سپس دخالت آشكار ايالات متحده آمريكا در امور داخلي ايران در دوره پهلوي دوم موجب شد، رسيدن به استقلال واقعي به آرمان مبارزان نهضت مشروطيت و انقلاب اسلامي تبديل شود. از این رو، یکی از واژه‌های پر تکرار انقلابیون، «استقلال» بوده است.

1. **واژه آزادي**

يكي از مهمترین خواسته‌هاي مردم ايران در يك قرن اخير «آزادی» بوده است. این خواسته در جريان نهضت مشروطيت و نهضت ملي شدن صنعت نفت نيز مطرح شد و در جريان پيروزي انقلاب اسلامي مردم با صداي رساتري آزادي و رهايي از بند نظام استبدادي را فرياد زدند.

آزادي حقي است كه به موجب آن افراد بتوانند استعدادها و توانایی‌های طبيعي و خدادادي خود را به كار اندازند، مشروط بر آنكه آسيب يا زياني به ديگران وارد نسازند.

در اصل نهم قانون اساسي چنين آمده است: «در جمهوري اسلامي ايران، آزادي و استقلال و وحدت و تماميت ارضي كشور از يكديگر تفکیک‌ناپذیرند و حفظ آن‌ها وظيفه دولت و آحاد ملت است. هيچ فرد يا گروه يا مقامي حق ندارد به نام استفاده از آزادي، به استقلال سياسي، فرهنگي، اقتصادي، نظامي و تماميت ارضي ايران كمترين خدشه‌ای وارد كند ...»

1. **واژه جمهوري**

واژه «جمهوري» بيانگر شكل حكومت است كه آن را از نظام‌های سلطنتي و جمهوری‌های ظاهري متمايز می‌سازد و بيانگر نقش مردم در تعيين زمامداران می‌باشد.

جمهوري كه جزئی از شعار اصلی انقلاب ایران است، يكي از مهمترین خواسته‌های مردم در جريان پيروزي انقلاب اسلامي بوده كه اين خواسته، بعدها در جريان تعيين نظام سياسي جايگزين رژيم سلطنتي شد و در ۱۲ فروردين ۱۳۵۸ مورد تائید اكثريت ملت قرار گرفت.

1. **واژه اسلامي**

واژه «اسلامي» نيز نظام سياسي ايران را از ساير نظام‌های جمهوري رايج در جهان متمايز می‌سازد. اسلامي بودن نظام، به معناي حاكميت ارزش‌های اسلامي بر تمامی امور كشور است و ولی‌فقیه، ولايت امر و امامت امت را بر عهده می‌گیرد.

درباره اسلامی بودن امور در جمهوری اسلامی در اصل ‏4 قانون اساسی آمده است: «کلیه‏ قوانین‏ و مقررات‏ مدنی‏، جزایی‏، مالی‏، اقتصادی‏، اداری‏، فرهنگی‏، نظامی‏، سیاسی‏ و غیر این‌ها باید بر اساس‏ موازین‏ اسلامی‏ باشد. این‏ اصل‏ بر اطلاق‏ با عموم‏ همه‏ اصول‏ قانون‏ اساسی‏ و قوانین‏ و مقررات‏ دیگر حاکم‏ است‏ و تشخیص‏ این‏ امر بر عهده‏ فقها شورای‏ نگهبان‏ است‏.»

امام خميني (ره) رهبر و بنیان‌گذار جمهوري اسلامي نيز قبل از پيروزي انقلاب اسلامي در پاسخ به سؤال خبرنگار فاينشنال تايم انگليس كه پرسيد، دنياي غرب شناخت صحيحي از حكومت اسلامي شما ندارد، فرمود: «ما خواستار جمهوري اسلامي می‌باشیم. جمهوري، فرم و شكل حكومت را تشكيل می‌دهد و اسلامي يعني محتواي آن فرم، كه قوانين الهي است.»

در اصل اول قانون اساسي جمهوري اسلامي درباره نوع حكومت كشور آمده است: «حكومت‏ ايران‏ جمهوري‏ اسلامي‏ است‏ كه‏ ملت‏ ايران‏، بر اساس‏ اعتقاد دیرینه‌اش‏ به‏ حكومت‏ حق‏ و عدل‏ قرآن‏، در پي‏ انقلاب‏ پيروزمند خود به‏ رهبري‏ مرجع عالی‌قدر تقليد آیت‌الله‌العظمی‏ امام‏ خميني‏، در همه‌پرسی‏ دهم‏ و يازدهم‏ فروردين‏ ماه‏ یک هزار و سيصد و پنجاه‌وهشت‏ هجري‏ شمسي‏ ... با اكثريت‏ ۲ / ۹۸ درصد كليه‏ كساني‏ كه‏ حق‏ رأی‏ داشتند، به‏ آن‏ رأی‏ مثبت‏ داد.»

بنابراين می‌توان گفت: شعار «استقلال، آزادي، جمهوري اسلامي» ماهيت انقلاب و روح حاكم بر قانون اساسي جمهوري اسلامي است و در يك جمله می‌توان گفت: نظام جمهوري اسلامي تبلور شعار «استقلال، آزادي، جمهوري اسلامي» است.

حال این سؤال در ذهن شکل می‌گیرد که چه عواملی در تحقق این شعار نقش دارد و چه موانعی، سد راه محقق شدن این شعار می‌شود؟

موانع تحقق شعار «استقلال آزادی جمهوری اسلامی»

1. **تضعیف سیستم حاکمیتی و رهبری نظام**

از بدو پیروزی انقلاب اسلامی تاكنون، ولایت‌فقیه و رهبری نظام به عنوان مهمترین ركن نظام اسلامی و مستحکم‌ترین سد دفاعی نظام، همواره مورد هجوم بی‌امان دشمنان بوده است. دشمنان نظام به درستی دریافته‌اند تا زمانی كه اقتدار و اعتبار رهبری در ایران محفوظ باشد، «استقلال آزادی جمهوری اسلامی» نیز باقی است و تا زمانی که جایگاه رهبری حفظ شود، مطلقاً هیچ پروژه براندازانه‌ای در جمهوری اسلامی، قابلیت طرح و اجرا نخواهد داشت. از این رو، با فهم اینکه راز ماندگاری و استقامت جمهوری اسلامی، ولایت‌فقیه و رهبری است، لحظه‌ای از هجوم علیه این ركن نظام، فروگذاری نکرده‌اند.

هم زمان با پررنگ شدن نقش بی‌بدیل جمهوری اسلامی در تحولات منطقه و به خصوص با توجه به جایگاه رفیع رهبر انقلاب در میان مسلمانان و نقش وحدت‌بخش ایشان در هدایت بیداری اسلامی و رهنمون انقلاب‌های منطقه، رسانه‌های معاند و سردمدارانشان، هجمه خود بر ضد جایگاه الهام‌بخش جمهوری اسلامی و رهبر انقلاب در بیداری اسلامی را شدت بخشیده‌اند. در مراحل نخست شکل‌گیری بیداری اسلامی، رهبر انقلاب، درست در زمانی كه مردم مصر در حال قیام بودند و تلویزیون‌های عربی، غربی و سیاستمداران آن‌ها بر ضد آنان سخن می‌گفتند، در نماز جمعه تاریخی 15 بهمن 1389 ه.ش. «حسنی مبارك» را با لفظ «نامبارك» خطاب و حمایت خود را از انقلابیون مصری، تونسی و موج بیداری اسلامی اعلام و ضمن تأكید بر الگوپذیری از انقلاب اسلامی ایران، انقلابیون را به استقامت و ایستادگی دعوت می‌کردند.

در داخل كشور نیز جریان سكولار و وابسته در هم‌سویی آشكار و پنهان با بیگانگان، با علم به اهمیت و نقش این اصل مترقی قانون اساسی و نظام اسلامی تمامی تلاش خود را به كار بسته‌اند تا درونی‌ترین لایه اقتدار جمهوری اسلامی را تسخیر و تضعیف نمایند. ارائه لوایح دوقلو برای افزایش اختیارهای رییس‌جمهور و تضعیف نقش رهبری در نظام در سال‌های پایانی دوران «خاتمی»، آخرین اقدامی بود كه این جریان با هدف تضعیف رهبری، مصرانه آن را پیگیری كرد اما ناكام ماند.

بر این اساس، حمله به جایگاه رهبری در جمهوری اسلامی، فصل مشترك حلقه وصل و پیمان نانوشته همگی جریان‌های جبهه مقابله با نظام اسلامی به شمار می‌رود كه در دو محور كلی «مشروعیت زدایی از اصل ولایت‌فقیه» و «ایجاد جنگ روانی بر ضد شخص رهبری انقلاب»، دنبال می‌گردد.

از سوی دیگر، مدیریت كارآمد، هوشیاری، بصیرت، اقدام به موقع، شجاعت و تدبیر رهبر معظم انقلاب حضرت «آیت‌الله خامنه‌ای» سبب گردیده كه حمله به شخص ایشان نیز همراه با مبارزه با این اصل مترقی حكومت اسلامی، صورت پذیرد و معظم له به صورت مداوم، طعمه بمباران روانی و شبهه پراكنی‌های تكراری دشمنان قرار گیرند. رسانه‌های معاند در برنامه جنگ روانی خود بر ضد رهبر انقلاب، از تاکتیک‌ها و تكنیك‌های مختلف و متعدد عملیات و مبارزه رسانه‌ای بر ضد ایشان استفاده کرده‌اند. تكنیك‌های زشت سازی، دشمن سازی و انسانیت زدایی، برچسب زدن و لقب سازی، القا و فرافكنی، مبالغه و بزرگ‌نمایی، تاكتیك دروغ بزرگ، تصدیق عناصر ضدانقلاب، تكرار، جعل خبر و شایعه‌سازی‌های پی در پی و... را می‌توان مهم‌ترین شیوه‌های به كار رفته در جنگ روانی و بمباران تبلیغاتی بر ضد رهبر معظم انقلاب دانست.

بنابراین تضعیف جایگاه مرجعیت و رهبری نظام خط قرمز شیعه و دوستداران نظام و انقلاب است و با هر کسی که بخواهد از این خط قرمز عبور کند برخورد جدی می‌کنند.

1. **عدم همدلی و هم‌زبانی بین ملت و دولت**

مقام معظّم رهبری سال ۱۳۹۴ هجری شمسی را به عنوان سال «دولت و ملت، همدلی و هم‌زبانی» نام‌گذاری نمودند. ایشان فرمودند: «برای تحقق شعار سال ۹۴ باید هر دو کفه این شعار یعنی ملت عزیز، بزرگ، شجاع، بصیر، دانا و با همت ایران و همچنین دولت خدمتگزار، به یکدیگر اعتماد و صمیمانه با هم همکاری کنند»

دولت‌مردان باید با تبیین عالمانه، صادقانه، خیرخواهانه، مشفقانه، مستدل و قاطعانه، شفّاف و به هنگام، مسائل مختلف کشور را با پرهیز از هرگونه مخفی‌کاری، پنهان‌کاری، دروغ‌گویی و ریاکاری، در اموری که دانستن آن‌ها حق ملّت است و مردم باید آن‌ها را بدانند با مردم در میان بگذارد که این امر اعتماد مردم را نسبت به دولت بیشتر جلب خواهد کرد.

بسیاری از آسیب‌ها و مشکلاتی که در جامعه به ویژه بین دولت و ملت وجود دارد ناشی از عدم تفاهم و درک متقابل و اختلاف‌نظر و سلیقه‌های موجود است که با اندک تلاش و اطلاع‌رسانی و روشنگری می‌توان پیشگیری نمود. به عنوان مثال ایران گلچینی از قومیت‌های مختلف است که اگر دولت بتواند نیازمندی‌های آنان را درک کند و از برداشت‌های سیاسی و جناحی فراتر برود و این اقوام نیز اموال دولت و کم و کاستی‌های آن را از آن خود بدانند، کشور به وحدت کلمه و رویه‌ای منسجم می‌رسد که چنان سپری مستحکم جلوی شایعه‌پراکنی و تفرقه‌اندازی و دسیسه‌بازی دشمنان دولت و ملت را خواهد گرفت؛ بنابراین همدلی و هم‌زبانی بستری تفاهمی برای ایجاد وحدت و حل مشکلات فراهم می‌کند تا چرخه‌های پیشرفت کشور هرچه سریع‌تر و متوازن‌تر به سمت توسعه پایدار به حرکت درآیند و از هزینه‌های مالی و انسانی و سیاسی بسیاری صرفه‌جویی می‌شود و حاشیه‌سازی‌ها و سرعت کاه‌ها کاهش می‌یابند و میزان آگاهی و مسئولیت‌پذیری و دلسوزی و عرق ملی افزایش می‌یابد و تار و پودهای کشور مستحکم‌تر می‌گردند.

نام‌گذاری سال 94 به این عنوان، در شرایط سخت گذار کشور از کش‌وقوس‌های سیاسی و اقتصادی، نشان از نگرشی حکیمانه به کلیت مسائل ایران و منطقه دارد که در بطن و متن آن توصیه‌ای دلسوزانه به دولت و ملت است که کشور به سمت وحدت و انسجام و پرهیز از اختلاف و حاشیه حرکت نماید.

1. **عدم اعتماد به ظرفیت نیروهای داخلی و وابستگی به بیگانگان**

تاریخ 35 ساله انقلاب اسلامی ایران حاکی از آن است که قدرت‌های استکباری نظام بین‌الملل از ابتدای شکل‌گیری نظام اسلامی تاکنون با استفاده از شیوه‌های مختلف، درصدد القاء ناکارآمدی نظام و ضربه به توانایی‌های ملی بوده‌اند. از این رو برای رشد و پیشرفت کشور توجه و اتکا به  توان داخلی از موضوعاتی است که استقلال کشور، منافع ملی و امنیت ملی را بیش از هر عنصر دیگری به ارمغان خواهد آورد. از این منظر رهبر فرزانه انقلاب در خصوص تخریب خودباوری ملی توسط دشمنان این ملت می‌فرمایند: «ما را قبل از انقلاب ده‌‌ها سال تحقیر کردند؛ ملّت ایران با این سابقه، با این تمدّن کهن، با این‌همه میراث فرهنگی عمیق، با این‌همه دانشمند در رشته‌های مختلف در طول تاریخ، کارش به جایی رسید که حاکمان این ملّت برای کارهای اساسی کشور باید [کسانی را] می‌فرستادند. سفارت انگلیس و سفارت آمریکا، از سفیر انگلیس و سفیر آمریکا اجازه می‌گرفتند؛ تحقیر یک ملّت بیشتر از این؟ ... این گذشته ما است، ما نباید تحقیر می‌شدیم؛ ما نباید اجازه می‌دادیم که قدرت‌های غارتگر جهانی بیایند اقتصاد ما را در دست بگیرند، نفت ما را ببرند، منابع ما را تصرّف بکنند، از لحاظ سیاسی و اجتماعی هم ملّت ما را تحقیر بکنند؛ امّا این اتّفاق افتاد.»[[1]](#footnote-1)

یکی از موضوعات مهم و اساسی که مقام معظم رهبری بارها در جمع اقشار مختلف مردم و مسئولین نظام جمهوری اسلامی ایران مطرح نمودند، «توجه به استعدادهای بومی و توان داخلی» آن هم با رویکرد «عزم ملی و مدیریت جهادی» است. ایشان در برخی از مناسبت‌ها در جمع اقشار مردم و مسئولین با اظهار گلایه از توجه جدی نکردن برخی از مسئولان به پیام اقتدار و توانایی درونی ملت ایران، این دغدغه اساسی خود را این گونه بیان نمودند که: «متأسفانه در برخی از بخش‌ها مدیران ما این پیام را درک نمی‌کنند»[[2]](#footnote-2)

بحث اقتصاد مقاومتی که مقام رهبری تبیین کرده در راستای استقلال خواهی و خودباوری ملت ایران می‌باشد و برای این است که اتکای نظام بیشتر بر سرمایه‌های خود باشد و نگاه مسئولین و مردم ما به دستان بیگانگان نباشد.

1. **پروژه نفوذ دشمنان**

یکی دیگر از موانع سد راه محقق شدن «شعار استقلال آزادی جمهوری اسلام» پروژه نفوذ است که این روزه‌ها در ادبیات رهبری مکرر بیان می‌شود. نفوذ دشمنان و منافقان در مناصب حساس زمینه ایجاد وابستگی است. نظام سلطه مترصد فرصتی است تا از فضای سیاسی و اقتصادی ناشی از برجام حداکثر استفاده را ببرد و طراحی‌های خود را علیه جمهوری اسلامی ایران تعمیق بخشد. به همین دلیل رهبر معظم انقلاب اسلامی، در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (۲۵ شهریور 94) با اشاره به نیت شوم دشمنان سلطه‌گر برای بازگشت و نفوذ در ایران اسلامی فرمودند: «در زمینه‌ سیاسی نیز بیگانگان به دنبال نفوذ در مراکز تصمیم‌گیری و اگر نشد، نفوذ در مراکز تصمیم‌سازی هستند که در صورت تحقق این توطئه، جهت‌گیری‌ها، تصمیمات و حرکت عمومی کشور، بر اساس خواست و اراده بیگانگان، تنظیم و اجرایی خواهد شد.»

همه‌ گام‌های مبارزه‌ راهبردی نفوذ، برای این صورت می‌گیرد که دشمنان انقلاب اسلامی ایران بتوانند از فضای به‌ وجود آمده، به تغییر در معادله‌ قدرت و سیاست داخلی ایران برسند؛ امری که هرچند در اظهارات علنی مقامات آمریکایی به آن اشارتی می‌شود، اما در واقع بیش از هر چیزی بر آن حساب و تمرکز کرده‌اند که این فضا، مقدمه نفوذ و سپس براندازی جمهوری اسلامی باشد، نه مقدمه پذیرش این کشور به‌مثابه یک قدرت هسته‌ای.

پیتر هارل، از پژوهشگران اندیشکده «مرکز امنیت آمریکایی جدید»، به مقامات کاخ سفید چنین تجویز می‌کند: «آمریکا باید یک استراتژی تهاجمی ترویج اصلاحات سیاسی و اجتماعی در ایران را دنبال کند تا تعامل بیشتر مؤسسات غیردولتی آمریکایی و بین‌المللی و نهادهای جامعه مدنی در ایران تسهیل شود. واشنگتن باید به باقی ماندن در کنار فعالانی در ایران که به دنبال اصلاحات سیاسی در کشور هستند، ادامه دهد.»[[3]](#footnote-3)

در واقع برجام و افزایش تعامل با ایران از دید آن‌ها بیش از آنکه به معنای راه یافتن ایران به جامعه بین‌المللی باشد، به معنای راه یافتن آمریکا به درون ایران است.

در پایان با کلام گهرباری از مقام معظم رهبری (حفظه الله) سخن را به سرانجام می‌رسانیم: «(قبل از انقلاب، بیگانگان می‌خواستند، همه چیز) بر طبق میل آن‌ها انجام شد؛ اگر آن‌ها مصالح کشور را قربانی کردند، دولت دم نزند؛ اگر به منابع ملی کشور تعرّض و تجاوز کردند، کسی حرف نزند؛ اگر ملت هم مخالفت کرد، دولت توی سرش بزند! این وضعی بود که در دوران پهلوی، خود ما با پوست و گوشت و جسم و جانِ خود آن را لمس کردیم. انقلاب آمد ملت و کشور و دولت را مستقل کرد. امروز هیچ قدرتی در دنیا نمی‌تواند در مسائل کشور ما اعمال نفوذ و ما را مجبور به کاری کند. مسئولان کشور نگاه می‌کنند و هر کاری را که مصلحت تشخیص دادند، انجام می‌دهند. ملت، تماشاگر و قضاوت کننده‌ کارهای مسئولان است؛ اگر آن‌ها را پسندید، پشت سر مسئولان می‌ایستد؛ اگر نپسندید، آن‌ها را عوض می‌کند؛ اختیار دست ملت است.»[[4]](#footnote-4)

1. . بیانات مقام معظم رهبری (حفظه) در دیدار کارگران در گروه صنعتى مپنا 10/2/93. [↑](#footnote-ref-1)
2. . بیانات مقام معظم رهبری (حفظه) هنگام بازدید از نمايشگاه دستاوردهای نیروی هوافضای سپاه پاسداران، 21/2/1393. [↑](#footnote-ref-2)
3. . هشدارهای امنیت ملی در فضای پساتوافق، مهدی محمدی، روزنامه‌ وطن امروز، ۲۶/5/۱۳۹۴. [↑](#footnote-ref-3)
4. . بیانات مقام معظم رهبری (حفظه) در نماز جمعه ۱۳۸۲/۱۱/۲۴. [↑](#footnote-ref-4)